ظرفیت تخت‌های مراقبت ویژه در خوزستان تکمیل شد

مجتبی یوسفی، عضو مجمع نمایندگان استان خوزستان با اشاره به وضعیت حاد استان خوزستان در مواجهه با ویروس کرونا، گفت: ظرفیت تخت‌های مراقبت ویژه در بیمارستان‌های استان خوزستان تکمیل شده است. وی افزود: مهم‌ترین مساله رعایت خود مردم است تا با التزام به پروتکل‌های بهداشتی نسبت به شیوع بحران جلوگیری شود. یوسفی ادامه داد: سختگیری‌های روزهای نخست موجب کنترل بیماری شده بود اما عادی‌سازی بیماری منجر به شیوع گسترده بیماری شد./ جام جم دیلی

درخواست قرنطینه از رئیس جمهور

جلال محمودزاده، نماینده مهاباد خطاب به رئیس جمهور گفت: شهرهایی مانند مهاباد را که در وضعیت قرمز هستند با تأمین امکانات مالی قرنطینه کنید. وی ادامه داد: قرار بود اقساط بانکی کسبه و بازاریان و کارآفرینان حداقل چهار ماه به تعویق بیفتد ولی بانک‌ها به آن عمل نکردند یا قرار بود تسهیلات ارزان‌قیمت به مشاغل مختلف که در موضوع کرونا به‌شدت دچار ضرر و زیان شده‌اند، پرداخت شود./ جام جم دیلی

به گفته مسؤولان تمام تخت‌های کرونایی بیمارستان‌های تهران پُر شده است

شواهد و اظهارنظر کارشناسان و مسؤولان درباره کرونا از بازگشت محدودیت‌ها به تهران و ۶ استان قرمز حکایت دارد

بازگشت به قرنطینه؟

میثم اسماعیلی

جامعه

ظرفیت آی‌سی‌یو بیمارستان‌ها تکمیل شده است و رنگ هشدارها از سفیدی و زردی به قرمزی کشیده و آمار کشته‌های کرونا بالا رفته است. وضعیت ابتلا و مرگ و میرها بیش از پیك اولیه است، دوشنبه گذشته ایران با ۱۶۲ کشته در روز بعد از کشورهای مکزیك و هند در رتبه سوم قربانی‌های کرونا در یك روز قرار گرفت. با همه این اوصاف اما وقتی چشم چشم می‌کنیم به محیط پیرامونمان تفاوتی با یك روز عادی در آن دیده نمی‌شود. کسب و کارها بازگشایی شده‌اند و بدون محدودیت به فعالیت خود ادامه می‌دهند، تهران که همچنان قفل ترافیك است، رستوران‌ها فعال‌اند و گاهی هم صدای بوق خودروی عروس توی گوشمان زنگ می‌زند. پارك‌ها و بوستان‌ها در قرق شب‌نشینی شهروندان است و وقتی یك روز به تعطیلی معمول هفته اضافه می‌شود، جاده‌های شمال یکطرفه می‌شود. درصد اجرای پروتکل‌های بهداشتی به شکل هولناکی کاهش پیدا کرده و با خواهش و تمنا و ایجاد پویش کاری از پیش نمی‌رود، اجبار در رعایت آن هم به شکل عجیبی موکول شده است به هفته دیگر! وضعیت کرونا در ایران هولناك است اما هولناك‌تر از آن این‌که هراس از این ویروس مرگبار ریخته است. حداقل رفتار عمومی شهروندان و تصمیمات دولتمردان که این را نشان می‌دهد. هر چند حالا زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد که اگر قرار بر این پیشتازی ویروس باشد قرنطینه تهران و برخی مناطق قرمز گزینه‌ای روی میز است.

از هفته گذشته تا امروز به طور میانگین هرروز ۱۳۶ نفر در ایران به‌واسطه ابتلا به ویروس کرونا جان عزیزشان را از دست داده‌اند.

آمار جزئی‌تر این تعداد هفته پیش از زبان معاون کل وزارت بهداشت و درمان اعلام شد، این‌که هر ۱۳ دقیقه یك نفر در ایران جانش را از دست می‌دهد و هر ۳۳ ثانیه یك نفر مبتلا به این ویروس می‌شود. وضعیت تهران هشداردهنده است و آنچه آمار می‌گوید در شرایط بدتری نسبت به گذشته قرار داریم. همین دیروز دکتر فرشاد علامه گفته تخت‌های کرونایی بیمارستان‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران پُر شده‌اند.

بخش هشدارآمیز گفته‌های او اشاره به عدم تاب‌آوری سیستم درمانی دارد. این‌که اگر مراجعه به بیمارستان‌های پایتخت شبیه آنچه که در اسفند بود، باشد دیگر توانی برای کادر درمانی وجود نخواهد داشت. با متر و عیار آمارها که پیش برویم همچنان وضعیت تهران ترسناك است.

خسرو صادق‌نیت رئیس مجتمع بیمارستانی امام خمینی (ره) اعلام کرده «مراجعان ما در زمینه کرونا سه برابر شده است و تعداد بستری‌های ما نیز سه برابر شده است.»

مهرپور رئیس بیمارستان شریعتی تهران هم می‌گوید انتظار چنین افزایشی نداشته و از آن به عنوان «شبیخون» یاد کرده است.

طالب‌پور رئیس بیمارستان سینا تهران هم می‌گوید شگفت‌زده شده است. او گفته شوکه است و «نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است که موج زیادی از بیماران در سنین پایین‌تر و در شرایط نامناسب‌تر به بیمارستان مراجعه کرده‌اند.»

۲ هفته آینده شرایط بدتر می‌شود

کرونا همچنان ناشناخته است و تنها به‌واسطه نظام داده‌ها می‌توان به بخش‌هایی از رفتار این ویروس پی برد. پیش از این افراد سالمند را قربانی مورد علاقه این ویروس می‌دانستیم و حالا ایرج حریرچی می‌گوید: «اخیرا موارد بستری مبتلایان بدحال و جوان افزایش یافته است و همه اینها یك زنگ خطر و هشداری است و مردم نباید این معضل را شوخی بدانند.» تنها قطعیت موجود در رابطه با این ویروس یك چیز است و آن هم این‌که نباید مبتلا شد، راه رسیدن به این قطعیت هم در حال حاضر تنها و تنها یك چیز است؛ اجرای پروتکل‌های بهداشتی و رعایت فاصله‌گذاری‌های اجتماعی. وضعیت کنونی که کشته‌های کرونا افزایش چشمگیری هم داشته، همه ماجرا نیست چراکه از قرار معلوم کرونا سر باز ایستادن ندارد و تمام نمی‌شود. همان داده‌کاوی آمارها نشان می‌دهد که در ۱۵ روز آینده تهران و دیگر شهرها وضعیت بدتری را نسبت به امروز تجربه خواهند کرد. آن‌طور که علیرضا دلاوری معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران دیروز در نشست خبری‌اش اعلام کرده: «۵۰ درصد تست‌های کرونا منجر به بستری بیمار می‌شود و در ۱۵ روز آینده میزان بروز، بستری و مرگ و میر بیماران مبتلا به این ویروس در کشور افزایش می‌یابد.»

رفتار عجیب ما و مسؤولان

مقایسه آماری تعداد کشته‌های کرونا و میزان اجرای پروتکل‌های بهداشتی در اسفندماه سال گذشته و امروز نتیجه عجیبی دارد، این‌که در حالی ۸۰ درصد مردم در اسفندماه پروتکل‌های بهداشتی را مو به مو اجرا می‌کردند که میانگین تعداد کشته‌های هفته آخر اسفند در ایران ۹۰ نفر بود اما حالا میزان اجرای این پروتکل‌ها در حالی به ۱۱ درصد رسیده است که میانگین مرگ و میرها به واسطه کرونا در هفته اخیر به ۱۳۶ نفر در روز رسیده است. ساده‌اش این‌که وقتی در روز ۹۰ نفر جانشان را از دست می‌دادند شهروندان ۸۰ درصد رعایت می‌کردند اما حالا در روز ۱۳۶ نفر می‌میرند و مردم تنها ۱۱ درصد رعایت می‌کنند! پرواضح است که این وضعیت تنها نتیجه رفتار شهروندان و مسؤولیت اجتماعی آنها نبوده و تصمیمات دولتمردان هم بی‌تاثیر در وضعیت کنونی نیست. ساده‌انگاری مهار این ویروس را پیش از این هم از زبان آنها شنیده بودیم، این‌که وعده داده شده بود پایان ماه مبارك رمضان زمان جشن شکست کرونا خواهد بود، تاثیرش را می‌توان در ساده انگاشتن تاثیرگذاری این ویروس از سوی مردم دید. فقط اظهارنظرهای این‌چنینی نبود که ترس از کرونا را کاهش داد و به باور بسیاری اجرای برخی از سیاست‌های دولت هم در رسوب چنین ذهنیتی تاثیر داشت. آنها معتقدند تصمیمات نامناسب برای برداشتن محدودیت‌ها و اجرای سیاست‌هایی همچون بازگشایی مدارس از ۱۵ شهریور اهمیت خطرناکی این ویروس را کم کرد و حتی رسانه‌ها را به این باور رساند که موضوع کرونا را از اولویت خبری خود خارج کنند.

محدودیت‌ها بازمی‌گردد

اما درست در روزهایی که آمار ابتلا و مرگ رو به کاهش بود و همه آن را مقدمه‌ای بر پایان موج اول شیوع می‌دانستند حسن روحانی هشدار داد که در صورت عدم رعایت و اجرای پروتکل‌های بهداشتی محدودیت‌های گذشته باز خواهد گشت. اواسط خردادماه رئیس جمهور اعلام کرد: «مردم شریف ایران باید بدانند چنانچه در هر بخشی از کشور این هشدارها جدی گرفته نشود و خدای ناکرده شیوع بیماری دوباره اوج بگیرد، مسؤولان ناگزیر از بازگرداندن محدودیت‌ها خواهند بود که این موضوع هم زندگی عادی شهروندان را دچار مشکل خواهد کرد و هم آسیب‌های اقتصادی جدی به جامعه خواهد زد.» هشداری که حالا با اجباری شدن استفاده از ماسك از ۱۵ تیرماه و افزایش آمار ابتلا و مرگ و پذیرش بالای بیمارستان‌های پایتخت بسیار جدی‌تر شده است.

تهران نزدیک به قرنطینه

از همان روزهای ابتدایی شیوع ویروس تا همین امروز یکی از راه‌حل‌های پرچالش در رابطه با مهار زنجیره سرایت «قرنطینه» بوده است. راه‌حلی که از همان ابتدا به اندازه مخالفانش موافق هم داشت. حالا اما به نظر می‌رسد تهران در وضعیتی است که تنها قرنطینه شدنش می‌تواند تا حدودی از وضعیت ناگوارش بکاهد. این را می‌توان از میان حرف‌های مسؤولان هم متوجه شد. این‌که معاون کل وزارت بهداشت و درمان اعلام کرده است: «تاکنون شش استان به‌علاوه استان تهران درخواست‌هایی در زمینه بازگشت محدودیت‌ها داشته‌اند.» این اظهارنظر یکی از نشانه‌هایی است که برخی از آن به عنوان قرنطینه برخی شهرها از جمله تهران تعبیر می‌کنند.

علیرضا زالی به «احتمال اعمال محدودیت‌های جدید با هدف کاهش پاندمی کووید-۱۹» اشاره کرد و گفت: «اعمال محدودیت‌های جدید با توجه به وخامت شیوع گسترده کرونا براساس شرایط مختلف مناطق ضروری است.»

فرمانده عملیات مقابله با کرونا در کلانشهر تهران آمار روزهای اخیر را بازتاب تغییرات ۲۵ تا ۳۰ روز قبل دانسته و گفته است «به نظر می‌رسد سهم سفرهای خردادماه در افزایش بار مراجعان چشمگیر است و طبیعتا سفرهای تابستانی هم می‌تواند خطرآفرین باشد.»

ماجرای اعمال محدودیت‌های تازه برای شهر تهران جدی است چراکه علیرضا زالی می‌گوید: «ستاد بیماری کرونا در تهران بسته پیشنهادی ششگانه خود را به ستاد ملی برای اعمال محدودیت‌ها اعلام کرده و منتظر تصمیم ستاد ملی هستیم.» گزینه قرنطینه پایتخت به مدت دو هفته یکی از گزینه‌های جدی پیش رو برای مهار حداقلی ویروس کروناست. وضعیتی که قطعا دلایل بسیاری برای شکل گرفتن آن وجود دارد.

دلاوری:
۵۰ درصد تست‌های کرونا منجر به بستری بیمار می‌شود و در ۱۵ روز آینده میزان بروز، بستری و مرگ و میر بیماران مبتلا به این ویروس در کشور افزایش می‌یابد

تهران آبستن فاجعه است

جامعه+

اقبال شاکری، عضو مجمع نمایندگان تهران: تهران در شرایط بسیار سختی به‌سر می‌برد به گونه‌ای که در زمره شهرهای در صدر از حیث شیوع گسترده کرونا قرار گرفته است و در وضعیت قرمز قرار دارد. ضعف ستاد مقابله با کرونا در اجرای برنامه‌های مناسب در تهران برای کنترل این بیماری آشکار است، بنابراین لازم است قبل از این‌که این موضوع به یك فاجعه تبدیل شود، تصمیمات مقتضی اتخاذ شود. ستاد ملی مقابله با کرونا که دولت تشکیل داده است، فاقد یك مسؤول فنی متخصص و قدرتمندی است که بتواند برای هر موضوعی تصمیم بگیرد، ابلاغ و پیگیری کند و بر روند اجرای آن نظارت داشته باشد. بازگشایی‌های آزمون و خطایی، بدون داشتن نیرو و مدیر کنترل‌کننده باعث شده است که باردیگر شاهد شیوع گسترده این بیماری در بین شهروندان تهرانی باشیم، از سوی دیگر عدم هماهنگی بین مسؤولان مربوطه کما این‌که از یك طرف گفته می‌شود طرح ترافیك اجرا شود و از سوی دیگر گفته می‌شود که اعمال آن از عوامل افزایش سطح استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی همچون اتوبوس و مترو می‌شود و در نهایت مردم شاهد این تعارض در عمل بین مسؤولان هستند. یکی دیگر از موانع موجود برای کنترل بیماری کرونا به حوزه اطلاع‌رسانی برمی‌گردد، چراکه در این زمینه بیشتر شاهد هشدار هستیم و دستورالعمل یا اقدام مناسبی برای رعایت پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری اجتماعی مشاهده نمی‌شود و این موضوع باعث سردرگمی مردم شده است، تا جایی که این بیماری را جدی نمی‌گیرند.

محدودیت‌ها در اختیار ستادهای محلی کرونا

مکث

حسین عرفانی، رئیس اداره مراقبت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت: فعلا قرار است فاصله‌گذاری اجتماعی و اعمال محدودیت‌ها در کشور به صورت پویا دنبال شود. یعنی برای هر منطقه‌ای از ایران بسته به شرایط همه‌گیری کرونا در آنجا تصمیم‌گیری می‌شود، چراکه به این نتیجه رسیده‌ایم در کشور پهناوری مثل ایران نمی‌توان برای همه مناطق نسخه‌ای واحد تجویز کرد. به همین دلیل، اختیاراتی به ستادهای استانی و شهرستانی داده شده تا با در نظر گرفتن شرایط محلی و هماهنگی ستاد ملی در صورت نیاز، محدودیت‌هایی را وضع کنند. همچنین با توجه به بیشتر شدن آمار روزانه بیماران کرونایی بستری‌شده نسبت به تعداد ترخیصی‌های روزانه، احتمال بازگشت محدودیت‌ها در پایتخت بعید نیست و اگر میزان شیوع بیماری در تهران به حدی برسد که سلامت عمومی جامعه به خطر بیفتد، در روزهای آینده احتمال دارد محدودیت‌هایی را هم برای پایتخت وضع کنیم.

سردرگمی در استفاده از ماسك

با این‌که هنوز چهار روز تا ۱۵ تیر و اجباری شدن رسمی استفاده از ماسك در مکان‌های عمومی می‌گذرد اما اوضاع شیوع کرونا در کشور به حدی بد است که باید از همین لحظه شروع کرد، باید ماسکی برداشت و به صورت زد و همه بهانه‌ها و توجیه‌ها را که قصدش مقاومت کردن است، کنار گذاشت.

وزارت بهداشت در ماجرای اجباری شدن ماسك به قول خودش روی احساس مسؤولیت مردم و فرهنگ والای آنها حساب کرده، مردمی که چنین مسؤولیت‌پذیری‌ای دارند اما نگران هستند خودشان ماسك بزنند ولی بازهم دیگرانی پیدا شوند که وقعی به این الزام ننهند و دوباره با صورت‌های بدون ماسك در جامعه ظاهر شوند. در این میان اما مرکز پژوهش‌های مجلس دغدغه مصرف بهینه ماسك را دارد و حرفش این است که با این‌که زیاد درباره فواید ماسك زدن صحبت می‌شود ولی دستورالعمل شفاف و جامعی در این باره وجود ندارد. اشاره مرکز پژوهش‌های مجلس در واقع به توصیه سازمان جهانی بهداشت است مبنی بر این که وقتی از ضرورت استفاده از ماسك به عنوان پرمصرف‌ترین وسیله حفاظت شخصی صحبت می‌شود باید در کنار آن یك راهبرد ارتباطی قوی نیز برای توضیح شرایط و ارائه ادله به مردم وجود داشته باشد تا منطق استفاده از ماسك برای همگان روشن و شفاف باشد. همچنین باید دستورالعمل‌های واضحی تدوین شود تا مردم بدانند باید از چه ماسکی، در چه زمانی و چگونه استفاده کنند. مرکز پژوهش‌های مجلس اما می‌گوید وزارت بهداشت گرچه تاکنون توصیه‌هایی کلی در مورد به همراه داشتن یا استفاده از ماسك ارائه داده ولی در مسیر توصیه سازمان جهانی بهداشت حرکت نکرده و درباره استانداردهای مصرف و مصرف بجای ماسك برای گروه‌های مختلف و شرایط گوناگون سکوت کرده است.

محدودیت‌ها در جهان برمی‌گردد

در کشورهایی مانند اسپانیا که همه‌گیری کرونا مجددا در بخش‌هایی از ایالت‌های آراگون و اندلوسیا مشاهده شده است، دولت و وزارت بهداشت اسپانیا ناچار شده‌اند در این شهرها با از سرگیری محدودیت‌ها و اعمال تدابیر کنترلی موافقت کنند. علاوه بر این، شیوع مجدد ویروس کرونا در ایالت نوردراین- وست فالن آلمان در اثر سرایت این ویروس در میان کارگران یك کشتارگاه در این ایالت و بعد از آن انتقال کووید-۱۹ از این کارگران به خانواده‌هایشان و دیگر افراد موجب شده است که مقامات محلی نوردراین- وست فالن دستور به بازگشت محدودیت‌های پیشین بدهند. از جمله این که در این ایالات مدارس، مهدکودك‌ها، موزه‌ها، استخرها، سالن‌های سرپوشیده ورزشی و نمایشگاه‌ها دوباره تعطیل شده‌اند و مجددا فقط اعضای یك خانواده یا دو نفر می‌توانند در اماکن عمومی در کنار هم حضور داشته باشند.

در انگلیس نیز با وجود آن‌که دولت به دنبال کاهش محدودیت‌های کرونایی در سراسر این کشور بود، تازه‌ترین گزارش‌ها از جهش دوباره شمار مبتلایان به کرونا در برخی مناطق این کشور حکایت دارد. اتفاقی که باعث شده مقامات دولتی انگلیس از تصمیم خود برای بازگشایی برخ کسب‌وکارها عقب‌نشینی کنند و حتی ناچار به قرنطینه مجدد برخی مناطق این کشور از جمله شهر لستر شوند. همچنین دو هفته پیش بود که در پکن با مشاهده بیش از صد مورد جدید ابتلا به کرونا، مقامات این شهر دوباره همه مدارس و مراکز آموزشی آن را تعطیل کردند و از ساکنان آن خواستند تا حد امکان از شهر خارج نشوند.

گفت‌وگو

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست از علت فوت ۳ امدادگر می‌گوید

بدون هماهنگی وارد شده بودند!

مریم خباز

جامعه

مختار و یاسین و بلال یکشنبه گذشته روی شانه‌های دوستان و آشنایان و فامیل تشییع شدند و رفتند پیش البرز زارعی و احسان عزیزی. آتش سوزی جنگل‌ها دانه دانه دارد قربانی می‌گیرد، فعلا ۵ نفر در عرض ۱۰ روز. فصل، فصل آتش سوزی است، آتش افروزان هم که دست برنمی‌دارند، کمبود نیرو و تجهیزات نیز که قرار نیست رفع شود، از پیشگیری هم که خبری نیست، پس باید گفت فعلا همین است که هست. این که این بار در بوزین و مره خیل کرمانشاه چه گذشت، بهانه گفت‌وگوی ما با فرمانده یگان حفاظت محیط زیست بود، جمشید محبت خانی که گفت از این مرگ‌ها متاسف است، ولی چون نیروهای مردمی بدون هماهنگی به دل آتش جنگل‌ها می‌زنند، این عاقبت شان می‌شود.

خبر محاصره شدن سه دوستدار طبیعت در آتش جنگل‌های بوزین و مره خیل و بعد هم خبر مرگ آنها را چه زمانی شنیدید؟

یکشنبه غروب بود.

واکنش‌تان چه بود، چه دستوری دادید؟

بلافاصله که خبر را شنیدم با فرمانده یگان منطقه و مدیرکل محیط زیست استان تماس گرفتم و او نیز با فرمانداری و استانداری تماس گرفت تا برای کمک بسیج شوند. البته من وقتی از حادثه مطلع شدم که این افراد جانشان را از دست داده بودند.

پس این قدر دیر به شما اطلاع دادند؟

این افراد بدون هماهنگی محیط‌بان‌های محل وارد جنگل شدند، حتی محیط‌بان‌ها به آنها گفته‌اند از این مسیر نروید، ولی آنها توجهی نکرده‌اند.

یعنی علت دیر باخبر شدن شما این است؟

این افراد از سر دلسوزی برای مهار آتش رفته‌اند و چون بدون خبر و بی‌هماهنگی رفته‌اند خیلی دقیق نمی‌شود از وضعیت‌شان خبر گرفت.

شما مخالف دلسوزی برای جنگل و کمک‌های مردمی هستید؟

مخالف نیستم، ولی مردمی که قصد کمک به اطفای حریق جنگل را دارند باید با محیط‌بان‌ها هماهنگ باشند و از مسیرهایی بروند که آنها می‌گویند. مرگ این سه دوستدار طبیعت در واقع درس عبرتی است برای کسانی که می‌خواهند کمک کنند.

شاید این نیروها به دل آتش زده‌اند، چون دیده‌اند سرعت اطفا کم است!

نه، این‌طور نیست. با احساسات نمی‌شود با حریق مقابله کرد. نیروهای مردمی هر کاری که می‌کنند باید با هماهنگی محیط‌بان‌ها باشد، چون باتجربه‌اند. حرفم این است که مردم نباید احساساتی شوند.

به هرحال عده‌ای هستند که به قول شما احساساتی می‌شوند و نمی‌توانند تماشاچی باشند. نمی‌خواهید این نیروها را سر و سامان بدهید تا در مواقع لزوم کمک‌کارتان باشند؟

این افراد خودشان سر و سامان یافته اند و عضو سمن هستند. یکی از این افراد که فوت شده نیز رئیس انجمن زیست محیطی شهرستان بوده.

پس نمی‌توانیم بگوییم این افراد کار نابلد بوده‌اند!

اینها کاربلد حریق نیستند و آموزش ندیده‌اند و بیشتر در حوزه پشتیبانی و مسائلی مانند آلودگی طبیعت فعالیت می‌کنند. نیروهای مردمی حتما باید کنار محیط‌بان‌ها باشند، چون اینها آموزش‌های عملی و تئوری اطفای حریق را دیده‌اند. دلیل حرفم نیز این است که در دو سال اخیر هیچ محیط‌بان و جنگلبانی در حریق جانش را از دست نداده است.

در این دو سال چند نیروی مردمی کشته شده‌اند؟

برای سال ۹۹ تا این لحظه پنج نفر. سال قبل قربانی نداشتیم و سال ۹۷ هم چهار نفر در آتش سوزی جنگل جان باختند.

فکر نمی‌کنید اگر در آتش سوزی اخیر یک بالگرد وجود داشت این سه دوستدار طبیعت حالا زنده بودند؟

پرواز بالگرد زمان دارد و در شب اصلا مجوز پرواز نمی‌دهند.

یعنی اگر بالگرد هم بود، باز اتفاقی نمی‌افتاد!

اجازه بدهید اخبار تکمیل‌تر شود تا ببینیم آن لحظه که محیط‌بان‌ها و یگان حفاظت از حادثه خبردار شده‌اند، آیا این افراد هنوز جان داشته‌اند یا فوت شده بودند. پاسخ این نکات در قضاوت بسیار مهم است.